

بِسْمِ اللَّهِ الْأَقْدَسِ الْأَمْنَعِ

قلم اعلیٰ من فی الإنشاء را ندا میفرماید و به حقّ واحد هدایت
مینماید ای شیخ فانی حمد کن محبوب عالمیان را که تأیید فرمود ترا که مرّة
آخری به ساحت اقدس فائز شدی و طواف کعبه مقصود نمودی ایوم باید
آن جناب ناس را به کلمه واحده دلالت نمایند آن کلمه به هیکل محبوب
ظاهر و او است مهیمن بر عالم و ما فيه آن کلمه بنفسها قائم بوده و
خواهد بود کلّ از او ظاهر و به او راجع او است آیه لیس کمثله شیء
موحّد ایوم نفسی است که حقّ را مقدّس از أشباح و أمثال ملاحظه نماید نه
آنکه امثال و أشباح را حقّ داند مثلاً ملاحظه کن از صانع صنعتی ظاهر
میشود و از نقّاش نقشی حال اگر گفته شود این صنعت و نقش نفس صانع
و نقّاش است هذا کذب و ربّ العرش و الثّری بلکه مدلّند بر ظهور کمالیه
صانع و نقّاش ای شیخ فانی معنی فنای از نفس و بقای بالله آنست که هر
نفسی خود را در جنب اراده حقّ فانی و لا شیء محض مشاهده نماید مثلاً
اگر حقّ بفرماید افعّل کذا بتمام همّت و شوق و جذب قیام بر آن نماید نه

آنکه از خود توهمی کند و آنرا حق داند در دعای صوم نازل و لو یخرج من
فم ارادتک مخاطبا إیّاهم یا قوم صوموا حبّا لجمالی و لا تعلقه بالمیقات و
الحدود فو عزّتک هم یصومون و لا یأکلون الی أن یموتون اینست معنی فنا
در این مقام درست تفکر نمائید تا بسلسبیل حیوان که در کلمات مالک
امکان جاری و ساری است فائز شوید و شهادت دهید باینکه حقّ لم یزل
منزّه از خلق بوده إنّهُ لهُ الفرد الباقی العلیم الخبیر این مقام اعظم از مقامات
بوده و خواهد بود باید آنجناب بما أراد الله قیام نمایند و ما أراد الله ما نزل فی
الألواح است بقسمی که بهیچوجه از خود اراده و مشیّتی نداشته باشند
اینست مقام توحید حقیقی از خدا بخواهید در این مقام ثابت باشید و ناس
را بسطان معلوم که بهیکل مخصوص ظاهر و بکلمات مخصوصه ناطق است
هدایت کنید اینست جوهر ایمان و ایقان نفوسی که باوهم خود معتکف
شده‌اند و اسم آنرا باطن گذاشته‌اند فی الحقیقه عبده اصنامند کذلک شهد
الرّحمن فی الألواح إنّهُ لهُ العلیم الحکیم